

بحران آب در اصفهان و شهرکرد و اعتراضات مردم

در جریان حرکت بزرگ کشاورزان و مردم محروم اصفهان و شهرکرد برای کسب حقایق، برای افکار عمومی آگاه روشن بود که برخلاف ادعاهای مقامات حاکم، بحران آب نه ناشی از خشکسالی های اخیر و کاهش ریزش باران - که البته در جای خود واقعیتی انکار ناپذیر است و بدون شک در حد خودش هم در تشدید وضع کنونی تاثیر داشته- بلکه حاصل سیاست های ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی است که در طول سال های طولانی سلطه سرکوبگرانه و خونین اش این وضع را در زمینه منابع آب و مدیریت آن به وجود آورده است. وقتی در برخی کلیپ های پخش شده در شبکه های اجتماعی می بینیم که مردم به خاتمی و احمدی نژاد و دیگر دست اندرکاران رژیم حاکم "لعنت" می فرستند روشن است که این وضع را صرفا حاصل سیاست های دولت مردم ستیز فعلی نمی دانند بلکه نتیجه ناگزیر کل سیاست های تمام دولت های سرکوبگر گذشته و به عبارت دیگر ناشی از کل رژیم جمهوری اسلامی می فهمند. در واقعیت هم نگاهی به سیاست ها و برنامه ریزی های جمهوری اسلامی در زمینه مدیریت منابع آبی و توزیع آن بر اساس نیازهای مردم نشان می دهد که این رژیم بدون توجه به ارزیابی های کارشناسان و صرفا جهت تامین منافع سرمایه داران حاکم، در طول این سال ها آب را با لوله کشی و ایجاد کانال و سد سازی های بدون برنامه از منابع اصلی برای تأمین آب مورد نیاز صنایع تأسیس شده در یزد و اصفهان و کرمان برده است. در نتیجه اجرا کردن این سیاست هاست که جمهوری اسلامی در بحران جاری امروز به وضعیتی در غلطیده که یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع از شهرکرد از استان چهارمحال و بختیاری (احمد راستینه) می گوید: "حرف ما با تمام مسئولان این است که نگاه واقع بینانه ای به انتقال آب از استان ما داشته باشند و برای آنچه که وجود ندارد، سرمایه گذاری نکنند". یعنی خود نماینده جمهوری اسلامی صراحتا بر این واقعیت انگشت می گذارد که "آبی نیست که شما بخواهید آن را ببرید". به واقع هم به گزارش خبرگزاری های خود جمهوری اسلامی: "در حال حاضر بیش از ۹۶ درصد از کل مساحت استان چهارمحال و بختیاری دچار خشکسالی است". به همین خاطر است که در شرایط کنونی به بیش از ۳۰۰ روستای این استان با تانکر آب رسانی می شود.

برای شناخت هرچه بیشتر سیاست های ضد مردمی جمهوری اسلامی در این زمینه لازم است بدانیم که به گزارش ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران)، پروژه های انتقال آب از تونل بهشت آباد، گلاب و سد و تونل کوه رنگ ۳ همچنان و بدون توجه به خواست های مردم تشنه لب منطقه و کشاورزانی که حیات و معاش شان به علت کمبود منابع آب و سیاست های توزیع آب جمهوری اسلامی در معرض نابودی ست، ادامه دارد؛ پروژه هایی که زندگی و معیشت مردم در این مناطق را تحت تاثیر قرار داده و موجب خشک شدن چشمه ها و قنواتی شده که برای سالیان آب مورد نیاز برای تداوم حیات و کار مردم را تأمین می کردند؛ پروژه هایی که مردم معترض آنها را بدون مجوز و غیرقانونی می دانند. بیهوده نیست که مردم شهرکرد در اعتراضات و شعارهای شان فریاد می زنند اگر قرار است آبی از این استان به اصفهان و یزد انتقال داده شود، تنها باید برای مصارف شرب باشد نه مصارف صنعتی.

برای درک بهتر تاثیرات فاجعه بار بحران آب که مردم ما در نقاط مختلف کشور درگیر آن هستند لازم است اضافه شود که به گفته کارشناسان حوزه آب خود جمهوری اسلامی، بر اثر برنامه ریزی های غلط و تصمیم های نادرست سال های قبل، شرایطی به وجود آورده است که کل فلات مرکزی ایران در آستانه کوچ چند ده میلیونی و خالی شدن از سکنه است. این امر شدت بحران و حیاتی بودن مبارزه علیه وضع موجود را نشان می دهد.

حال در چنین شرایطی که نماینده خود رژیم می گوید دیگر آبی باقی نمانده، خبرگزاری دولتی ایران، ایرنا، گزارش داد که روز جمعه محمد مخبر معاون اول رئیس جمهوری ایران به وزیران نیرو و جهاد کشاورزی مأموریت داد «در اسرع وقت» برای رفع مشکل آبریز زاینده رود در استان‌های چهارمحال و بختیاری، اصفهان و یزد اقدام کنند. ولی با توجه به وضع موجود چنین مأموریت‌هایی نمی توانند راه به جایی ببرند. آخر قرار است مقامات فاسد و دزد جمهوری اسلامی در رفع مشکلی که خود پیش آورده اند، چه کاری انجام دهند؟ اگر جمهوری اسلامی می خواست به فکر منافع و پاسخ به مطالبات بر حق مردم باشد از همان ابتدا نمی گذاشت چنین وضع بحرانی ای به وجود بیاید. سردمداران حاکم همچنان بر طبل سیاست های ضد خلقی سابق خواهند کوبید و در همان راستا پیش خواهند رفت. همچنان که می‌بینیم که رئیسی جنایتکار با توجه به ابعاد گسترده بحران جاری آب، فریبکارانه از توان و قصد صادرات آب توسط رژیمش حرف می زند. این برخورد یعنی ادامه همان کار سودجویانه و ضد مردمی ای که خاتمی کرد و از طریق لوله های قطور و در شرایط بی آبی مردم ایران، آب را به کویت صادر نمود. این سیاست ضد مردم ایران هنوز هم ادامه دارد. مقامات رژیم در مقابل این سیاست ها با مقاومت مردم مناطق مربوطه مواجه هستند و راهی ندارند جز آن که تلاش می کنند با سرکوب اعتراضات مردمی صدای اعتراض مردم را در گلو خفه کنند. همچنان که در تیر ماه امسال، مزدوران‌شان، خوزستانی های تشنه خواهان آب را با وحشیگری بسیار سرکوب کردند.

نکته قابل توجه دیگری که در جریان سرکوب وحشیانه مردم به پاخاسته برای آب باید بدان اشاره کرد این است که به دنبال تجمع وسیع مردم اصفهان در حمایت از خواست های کشاورزان و اساسا بحران آب، در همان روزهای اول شاهد ترویج نظرات تفرقه افکنانه ای بودیم که توسط برخی نیروهای نادان و فرصت طلب تکرار می شد مبنی بر اینکه چرا رژیم جنبش مردمی برای آب در خوزستان را سرکوب کرد اما با خیزش مردم اصفهان به اصطلاح مدارا می کند! اما هنوز مرکب این افاضات خشک نشده بود که خبر رسید یگان ویژه با برنامه ریزی ضد انقلابی کامل به چادرهای تحصن کشاورزان حمله کرده و آنها را به آتش کشیده است. یک روز بعد از این حمله یعنی در روز جمعه نیروهای سرکوب وحشیانه به مردم یورش بردند، و جدا از تمام وحشی گری ها ده ها تن را با شلیک گلوله های ساچمه ای کور و یا مجروح کردند. سرکوبی که هنوز تعداد کشته شدگان و مجروحین آن اعلام نشده است. به این ترتیب مدعیان افاضات مزبور خیالشان "راحت" شد که مردم اصفهان هم سرکوب می شوند و دیکتاتوری حاکم در هنگام ضرورت سرکوب و کشتار مردم بین اصفهانی و خوزستانی و بختیاری و کرد و لر و بلوچ و عرب کوچکترین فرقی قائل نیست و در این رژیم پاسخ اعتراض همه افشار و طبقات تحت ستم ایران سرکوب است. سرکوب وحشیانه مردم اصفهان و شهر کرد به خاطر خواست آب، نمونه دیگری در مصداق یکی از ایده های اساسی تئوری مبارزه مسلحانه است که با جمع بندی واقعیات تاکید می کند که دیکتاتوری ناشی از سلطه سیستم سرمایه داری وابسته ایران چه در زمان شاه و چه در جمهوری اسلامی به دلیل ماهیت ضد مردمی خود تنها با سرکوب و ستم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر چه بیشتر و گسترش نفوذ شاخه های خود در چهار گوشه کشور یا به عبارت دیگر بسط سلطه بورکراسی فاسد، می تواند به سرکوب زمینه انقلاب دست بزند. یعنی دیکتاتوری حاکم برای از بین بردن زمینه انقلاب تنها راهی که دارد اعمال فخر ضد انقلابی و سرکوب است و آنهایی که با وجود سیستم سرمایه داری وابسته در ایران این طور جلوه می‌دهند که امکان کمترین بهبود در شرایط زندگی مردم و فضای آزاد وجود دارد، تنها خود و توده‌ها را فریب می‌دهند.

واقعیت فوق را مردم مبارز ایران در جریان همین مبارزات کشاورزان و تحصن آنها در بستر خشک زاینده رود مشاهده کردند. مردم ما دیدند که رژیم چطور در ابتدا سعی کرد با نفوذ در میان توده های تجمع کننده در بستر خشک زاینده رود جهت اعتراض آنها را تغییر دهد؛ اما وقتی مشاهده کرد و متوجه شد که کشاورزان و مردم به

جای صلوات برای خامنه ای، شخص رهبر ضد خلقی را هو می کنند، بی درنگ چادر های آنها را به آتش کشید و با اعزام یگان ویژه و شلیک گاز اشک آور و گلوله ساچمه ای به قلع و قمع مردم پرداخت. با توجه به همه این وقایع باید تاکید کرد که تا این رژیم هست قادر نیست مطالبات مردم را در جهت منافع آنها پاسخ دهد و تنها راه رسیدن مردم به مطالباتشان سرنگونی تمامی این رژیم در بستر انقلابی اجتماعی است.

سرکوب وحشیانه جنبش مردم اصفهان و شهرکرد که برای آب و حقایق بپا خاسته بودند بار دیگر بر ضرورت اعمال قهر انقلابی توسط توده ها و نابودی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به عنوان بزرگترین سد در مقابل آزادی و رهایی مردم ما تاکید می کند؛ و تشکیل گروه های سیاسی-نظامی متشکل از کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی به منظور بسیج و سازماندهی توده ها در خدمت این امر قرار دارد. فراموش نباید کرد که تنها توده های متشکل و مسلح می توانند با مبارزات خود پوزه دشمنانشان را بر خاک بمانند و تحت یک رهبری انقلابی به خواست های برحق و طبقاتی خود دست یابند.